

نگاهی به حوادث تاریخی نهاوند

اشاره :

نقدی دیگر از جناب آقای دکتر عزیزاله بیات استاد محترم دانشگاه شهید بهشتی به بخشی از کتاب «نهاوند در هزاره‌های تاریخ» اثر همشهری گرامی جناب آقای سید شمس‌الدین سیدان را در این جا می‌خوانیم، ضمن تشکر از هر دو، مؤلف و منتقد محترم.

«فرهنگان»

○ نویسنده محترم در صفحه‌ی ۱۲۴ کتاب مرقوم داشته‌اند نهاوند از جمله شهرهایی به شمار می‌رود که در قرن هفتم و هشتم قبل از میلاد، گروهی از یهودیان به فرمان پادشاهان آشوری در آن ساکن شدند.

● از این عبارت بر می‌آید که مؤلف محترم معتقدند که در قرن هفتم و هشتم قبل از میلاد نام این شهر نهاوند بوده است. در حالی که کلمه‌ی نهاوند پهلوی است نه فارسی باستان. در فهرستی که داریوش اول از قلمرو خود در کتیبه، فصل نقش رستم ذکر کرده نامی از نهاوند به میان نیامده. همان‌طور که نگارنده به کرات عرض نموده قدیمی‌ترین اسمی که از این شهر طبق یک سند معتبر باقی مانده است این است که در سال ۱۹۳ قبل از میلاد لائودیسه نام داشته و نهاوند نامی است که

در دوران اشکانیان یا ساسانیان به این شهر داده شده است.

○ مؤلف محترم در صفحه‌ی ۱۲۶ مرقوم داشته‌اند اسکندر در سال ۳۲۳ قبل از میلاد که عزم لشکرکشی به هندوستان را داشت در سن ۳۲ سالگی از دنیا رفت .

● حال آن‌که اسکندر در سال ۳۳۷ قبل از میلاد از طریق هندوکش به هندوستان لشکر کشید و تا ساحل رودخانه‌ی جلم (شعبه‌ای از رودخانه‌ی سند) پیش رفت. برای کسب اطلاعات بیش‌تر در ارتباط با این موضوع می‌توان به «تاریخ بزرگ جهان» تألیف کارل گریمبرگ ترجمه‌ی دکتر اسماعیل دولتشاهی جلد دوم ص ۲۳۵-۲۴۸ مراجعه نمود. بدیهی است این مطلب از حوادث مهم دوران زمامداری اسکندر است و تردیدی در آن نیست .

○ مؤلف محترم در صفحه‌ی ۲۵۳ به تفصیل از حمله‌ی سپاهیان مغول به شهرهای ایران از جمله نهاوند مطالبی نوشته‌اند .

● مورخان عالی‌قدر قرن هفتم و هشتم هجری مطالب پر ارزشی در مورد لشکرکشی چنگیزخان به ایران نوشته‌اند . از جمله ابن اثیر مؤلف الکامل، عطاملک جوینی مؤلف تاریخ جهانگشا، خواجه رشیدالدین فضل‌اله همدانی مؤلف جامع التواریخ، و صاف مؤلف تاریخ و صاف و جوزجانی مؤلف طبقات ناصری. در این آثار از کشت و کشتار اهالی نهاوند توسط سپاهیان مغول مطلبی دیده نشده است. تنها خواندمیر مورخ قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری درباره‌ی جبه‌نویان و سویدای، دوتن از سرداران چنگیزخان که مأمور تعقیب سلطان محمد خوارزمشاه بودند، چنین آورده است :

«بعد از وصول به همدان با والی آن‌جا مجدالدین علاءالدوله علوی صلح کرده روی به گزر رود و خرم آباد و نهاوند، دود از گزر رود برآورده، خرم آباد را غمکده ساختند و مردم نهاوند را قتل عام کردند.»

متأسفانه خواندمیر منبع مورد استفاده خود را معرفی نکرده است . به همین علت مطلب

وی را در ارتباط با کشت و کشتار اهالی نهاوند توسط سپاهیان چنگیز با احتیاط باید پذیرفت.

○ مؤلف محترم در صفحه‌ی ۲۵۹ راجع به قیام بهلول نهاوندی علیه امیر برلاس حاکم نهاوند به تفصیل مطالبی نوشته‌اند.

● در تمام منابع معتبر تاریخی مربوط به سلسله‌ی تیموریان از جمله ظفرنامه‌ی شامی، ظفرنامه‌ی شرف‌الدین علی یزدی، زبدة التورایخ تألیف حافظ ابرو و غیره از بهلول به نام یکی از نوکران امیر برلاس حاکم نهاوند نام برده‌اند که علیه ارباب خود سر به شورش برداشته و این شورش منجر به قتل امیر برلاس گردیده است.

بدون تردید اگر چنین قیامی در نهاوند شکل گرفته بود گذشته از منابع و مآخذ معتبر آن دوران، مستشرقین و ایران‌شناسان اروپایی به‌ویژه ایران‌شناسان روسیه که در گذشته‌ی نه‌چندان دوری توجه زیادی نسبت به روشن نمودن چنین حوادثی داشتند، مطالبی می‌نوشتند. همچنین محققین عالی‌قدر ایرانی از جمله زنده یاد عباس اقبال و رشید یاسمی و سعید نفیسی متذکر این واقعه می‌شدند.

○ نویسنده‌ی محترم، حادثه‌ی کشته شدن خواجه نظام‌الملک را با قاطعیت در نهاوند ذکر کرده است.

● حال آن که در این خصوص بین مورخین وحدت نظر وجود ندارد. اکثریت مورخین و جغرافیادانان اسلامی محل وقوع این حادثه را صحنه ذکر کرده‌اند. با توجه به روش تحقیق پیشرفته و به کار بردن آن در حوادث تاریخی و با کمک گرفتن از اصل تعدیل به سند و ترجیح به اعتبار راوی که از اصول مسلم روش تحقیق در نگارش حوادث تاریخی است، می‌توان چنین نتیجه گرفت که خواجه نظام‌الملک در صحنه توسط یکی از فدائیان اسماعیلیه به قتل رسیده است. اظهار نظر مورخین و جغرافیادانان اسلامی چنین است:

میر خواند می‌گوید: «حسن صباح برای قتل دشمنان خود فدائیان تریبیت کرده بود. یکی از آنان در شب آدینه دوازدهم ماه رمضان سال ۴۸۵ هجری خواجه نظام‌الملک را در حدود نهاوند به ضرب کارد از پای در آورد. جسد نظام‌الملک را به اصفهان برده و در آن شهر به خاک سپردند.»^(۱)

خواندمیرنوهی دختری میرخواند در ارتباط با این حادثه گوید: «سلطان ملکشاه به صوب بغداد در حرکت آمده، خواجه نظام‌الملک نیز از عقب روان شد و چون به نهاوند رسید یکی از فدائیان حسن صباح که او را ابوظاهر اوانی می‌گفتند به اشارت حسن صباح و صلاح‌دید تاج‌الملک در ماه رمضان سال ۴۸۵ هجری کاردی به خواجه رسانید. روز دیگر آن وزیر عالی‌گهر به روضه‌ی رضوان خرامید. جسد آن جناب را به اصفهان برده به خاک سپردند.»

خواندمیر مورخ اواخر قرن نهم هجری قمری تقریباً با مختصر تفاوتی همان مطالب میرخواند جد مادری خود را نوشته، با این تفاوت که نام قاتل را نیز مشخص کرده است.^(۲) ظهیرالدین نیشابوری درباره‌ی این حادثه چنین می‌گوید: «ملکشاه از اصفهان به جانب بغداد حرکت کرد. چون به نهاوند رسید، فدائی نظام‌الملک را کارد زد، هم به اغرا و اغوای تاج‌الملک، و او در آن حال پیر بود و سال از ۸۰ گذشته»^(۳)

عظاملک جوینی مورخ عالی‌قدر قرن هفتم هجری چنین گوید: «شب آدینه دوازدهم رمضان ۴۸۵ به حدود نهاوند در منزلی که صحنه خوانند به شکل صوفی پیش می‌حقی (کجاوه) نظام‌الملک رفت، که بعدالافطار در محقه از بارگاه به خرگاه حرم می‌شد، کاردی بر او زد و نظام‌الملک از آن زخم شهید شد.»^(۴)

راوندی^(۵) و ابن اثیر^(۶) محل وقوع این حادثه را نهاوند یا حدود آن بدون تعیین محل دقیق ذکر

۱ - روضة الصفا، میرخواند، تلخیص دکتر زریاب، ج ۴، ۵، ۶، ص ۶۲۸-۶۷۷

۲ - حبیب السیر، خواند میر، ج ۲، ص ۴۹۳ - سلجوق‌نامه، ظهیرالدین نیشابوری، ص ۳۳

۴ - تاریخ جهانگشا، عظاملک جوینی، ج ۳، ص ۲۰۴

۵ - راحة الصدور، راوندی، ص ۱۳۷ - ۶ - الكامل، ابن اثیر، ج ۸، ص ۱۶۱

کرده‌اند. خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی^(۱) و ابن خلکان^(۲) و حمدالله مستوفی^(۳) مقتل خواجه نظام الملک را صحنه ضبط کرده‌اند.

با قید این‌که این محل نزدیک نهاوند است و به احتمال قریب به یقین مراد ایشان همین صحنه امروزی در ده فرسنگی مشرق کرمانشاه بوده است. زیرا محل دیگری به این نام و نشان که نزدیک نهاوند هم باشد در هیچ یک از منابع معتبر دیده نشده است و این محل نیز اگرچه تا نهاوند قریب پانزده فرسنگ فاصله دارد، لیکن به مسامحه می‌توان گفت نزدیک نهاوند است.

یاقوت حموی جغرافیادان معروف قرن هفتم هجری مقتل خواجه نظام الملک را در موضعی موسوم به قندیجان از قرای نهاوند ضبط کرده است.^(۴) هندوشاه نخجوانی مؤلف تجارب السلف مقتل وی را شهر بروجرد ضبط نموده است.^(۵)



- ۱ - جامع التواریخ، خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی، ج ۱، ص ۷۳
- ۲ - وفيات الاعیان، ابن خلکان، ص ۱۵۷ ۳ - تاریخ گزیده، حمدالله مستوفی، ص ۴۴۳
- ۴ - معجم الادباء، یاقوت حموی، ج ۳، ص ۱۱۹
- ۵ - تجارب السلف، هندوشاه نخجوانی، ص ۲۶۵